

مهم این است که سر واردات سلامت باشد!

نوشته دکتر محمود پورشیرازی

مهندس شافعی: «پس تولیدی صورت نمی‌گیرد، بگویند چه تعداد در کشور نیاز به این دستگاه وجود دارد؟»

اخوان‌فر: «اکنون سالانه حدود یک میلیون دستگاه از این نوع «اتوها» در کشور مورد نیاز است و به طرق گوناگون تولیدات خارجی وارد کشور می‌شود...»

مهندس شافعی: «چرا وارد می‌شود؟»
اخوان‌فر: «برای این که در داخل تولید نمی‌شود...»

مهندس شافعی: «چرا تولید نمی‌شود؟»
اخوان‌فر: «چون معضلات و مشکلات داریم...»

مهندس شافعی: «خودمان را جای بانک و دولت قرار دهیم، نمی‌شود که دولت مجوز احداث بدهد، ریال بدهد، ارز بدهد، جلوی واردات را بگیرد، تا این که من و شما بتوانیم تولید کنیم، مردم هم مجبور باشند که محصولات ما را مصرف کنند، نباید این انتظار وجود داشته باشد، دولت باید امکان تولید را برای تولیدکننده فراهم سازد، تولیدکنندگان مثل جنابعالی و سایرین به وزارت صنایع مراجعه می‌کنند و درخواست مجوز ایجاد کارخانه تولید «اتو» می‌دهند، دولت قاعدتاً نباید از مشارکت مردم در امر تولید جلوگیری کند...»

اخوان‌فر: «ولی سیاست سال‌های ۶۳ فرق داشت...»

مهندس شافعی: «عنايت بفرمایید، حداکثر کاری که دولت باید بکند و ما داریم

همین کار را انجام می‌دهیم، این است که به کسی که می‌خواهد اتو تولید کند، می‌گوییم وضع بازار اتو و وضع تولیدکنندگان اتو این است، و این تعداد موافقت اصولی گرفته‌اند، در دنیا هم محصولات خارجی وجود دارد و مردم هم در ایران محصولات چه کارخانه‌هایی را بیشتر انتخاب می‌کنند. این تصویر را ما باید به متقاضی موافقت اصولی بدهیم، بعد هم می‌گوییم که اگر با علم به این شرایط همچنان اصرار داری که این محصول را تولید کنی، بسم‌الله، ما حق نداریم که مقابل شما را بگیریم، وظیفه ما این است که امکان تولید را برای مردم فراهم کنیم، منتهی باید وضعیت را همان‌گونه که گفتیم برای متقاضیان تشریح کنیم، متقاضی می‌گوید من با منابع شخصی می‌خواهم حتماً در این رشته سرمایه‌گذاری کنم، این کاره هستیم، تخصص این کار را دارم...، از وزارت صنایع جز مجوز احداث چیزی دیگری نمی‌خواهم، تا اینجا ما نمی‌توانیم یا او مخالفتی کنیم، اما از اینجا به بعد اگر بگویند ارز و ریال به من بدهید...»

(روزنامه رسالت ۳ شهریور ماه ۱۳۷۸)

آقای احمد اخوان‌فر، آن‌طور که از سؤال و جواب ایشان با وزیر صنایع استنباط می‌شود در سال ۱۳۶۳ توفیق می‌یابد که مجوزی برای تولید سالانه ۱۵۰ هزار «اتو» در زنجان دریافت می‌کند. پس از دریافت مجوز، ایشان نیز نظیر دیگران قطعه زمینی تهیه می‌کند و لابند برای خرید ماشین‌آلات با شرکت‌های خارجی وارد مذاکره می‌شود و ماشین‌آلات لازم را تهیه و در سال ۱۳۷۱ بالاخره کارخانه را راه‌اندازی می‌کند و پروانه بهره‌برداری هم از وزارت صنایع می‌گیرد.

وزارت صنایع و سایر وزارتخانه‌ها تا سال ۱۳۶۸ به سختی و به ندرت برای احداث کارخانه‌ای موافقت اصولی صادر می‌کردند (مخصوصاً برای اشخاص) و اگر کسی مثل این آقای اخوان‌فر توانسته بود مجوز تأسیس کارخانه‌ای را دریافت کند، حتماً «از قعر دره‌ها، عرض رودخانه‌ها و قله کوه‌ها» گذشته بود!

به همان نسبت که وزارتخانه‌ها به سختی موافقت اصولی می‌دادند، به همان نسبت هم پس از دادن موافقت اصولی به سهولت وام در اختیار متقاضی می‌گذاشتند و در صورت احتیاج به ارز (در اکثر موارد)، ارز دولتی در اختیار وی می‌گذاشتند. وزارت صنایع حدود ۳۰۰ میلیون دلار ارز در سال برای اختصاص دادن به طرح‌ها و موافقت اصولی‌های جدید در اختیار داشت که در بعضی سال‌ها این ارز مصرف نمی‌شد!

اکثر کارخانه‌هایی که اکنون «سریا» هستند، از وام ریالی و ارز دولتی تأمین مالی شده‌اند و این امر، هم در مورد کارخانه‌ها و طرح‌هایی که توسط سازمان‌های دولتی تأسیس و اجرا شد صدق می‌کند و هم در مورد افراد حقیقی و حقوقی در بخش خصوصی!

این نحوه تأمین مالی احداث واحدهای صنعتی مختص بعد از انقلاب نیست، اکثر واحدهای تولیدی حاشیه جنوبی اتوبان کرج و یا کارخانه‌های شهرک‌های صنعتی در قزوین، رشت و مشهد و اصفهان و سایر شهرها که احداث آنها به قبل از انقلاب مربوط است، به همین نحو، یعنی با پول و ارز دولتی تأسیس شده‌اند.

از آغاز سال ۱۳۶۸ با روی کار آمدن آقای رفسنجانی به عنوان رئیس‌جمهور و اعمال سیاستهای تعدیل و «لیبرالیزه کردن» اقتصاد،

وزارتخانه‌ها در دادن موافقت اصولی با یکدیگر به رقابت پرداختند! هرکس می‌توانست درخواست موافقت اصولی می‌کرد و بدون قید و شرط مجوز احداث کارخانه‌ای را می‌گرفت.

حال به همان نسبتی که دولت سهل‌تر موافقت اصولی صادر می‌کرد، به همان نسبت هم مشکل‌تر تسهیلات در اختیار مؤسسين واحدهای تولیدی قرار می‌داد. علاوه بر این‌که دولت به سختی و یا به ندرت ارز در اختیار کسانی که مشغول احداث واحدی تولیدی بودند، قرار می‌داد، مشکل افزایش مرتب قیمت ارز نیز تمام محاسبات صاحبان کارخانه‌ها را به هم می‌ریخت و قیمت تمام شده ماشین‌آلات و یا مواد اولیه مورد لزوم را چند برابر می‌کرد. و این تغییر قیمت سبب می‌شد که نه احداث کارخانه مقرون به صرفه باشد و نه کالاهای تولید شده بتواند از نظر قیمت در بازار رقابت کند.

یکی از اصلی‌ترین عللی که «سوله»ها در شهرک‌های صنعتی نیمه تمام رها شده‌اند و کسی به فکر اتمام آنها و شروع تولیدی نیست، همین موضوع گرانتر شدن ارز و مقرون به صرفه نبودن تولید است.

شاید به همین دلایل بود که پنج نفر دیگر که برای تولید اتو موافقت اصولی گرفته بودند، یا بعد از شروع عملیات ساختمانی و خرید مقداری ماشین‌آلات، اقدامات خود را متوقف کردند و هرگز به تولید نرسیدند و یا این‌که پس از دریافت موافقت اصولی دست به هیچ اقدامی نزدند!

مهم، واردات است!

وقتی آقای احمد اخوان‌فر در سال ۱۳۷۱ شروع به تولید می‌کند و اولین محصولات خود را به بازار می‌فرستد، دو اتفاق افتاده است:

۱- وزارت صنایع چند موافقت اصولی برای تولید سالانه ۳/۵ میلیون اتو به افراد مختلف داده است،
۲- وزارت بازرگانی اجازه داده که تجار ده‌ها هزار اتو ارزان قیمت چینی که دارای کیفیت نازل و بدون استاندارد است، به مبلغ ۱۲/۷ میلیون دلار



توجیه نیست، بدین علت که مجوز تولید ۳/۵ میلیون اتو در سال توسط وزارت صنایع صادر شده است. شکایت‌های مکرر به کمیسیون اصل ۸۸ و ۹۰ نیز نتیجه‌ای نبخشیده است. وزارت صنایع نیز از دو سال پیش قصد دارد موضوع صدور ۳/۵ میلیون موافقت اصولی را مورد بازنگری قرار دهد، ولی تاکنون اقدامی انجام نداده است!

مهم این نیست که یک

کارخانه تولید اتو پس از افتتاح و تولید تعطیل شده

و دیگر تولیدی ندارد، مهم این است که

۱- میلیونها تومان سرمایه «خوابیده» است،

۲- مرتباً از خارج اتو وارد می‌شود و ارزشهای

حاصل از فروش نفت را می‌بلعد،

۳- کارگران کارخانه بیکار شده‌اند،

۴- به نسبت عدم تولید کارخانه از تولید داخلی

کاسته شده است،

حال جناب وزیر محترم صنایع می‌فرمایند:

«... نمی‌شود که دولت جلوی واردات را

بگیرد،... مردم مجبور باشند که محصولات

ما را مصرف کنند...»

اتفاقاً این درست همان کاری است که ما

داریم انجام می‌دهیم، آیا کسی می‌تواند اتومبیل،

کامیون، اتوبوس، وارد کند؟

آیا مردم ما مجبور نیستند که بعد از چهل

سال این پیکان «قراضه» را که طراحی آن متعلق

به پنجاه تا شصت سال پیش است، از نقطه نظر

ایمنی در سطح فوق‌العاده نازلی قرار دارد، مصرف

بنزین آن فوق‌العاده بالا است و از لحاظ قیمت

سرسام‌آور و فوق توان خانوارهای متوسط است،

خریداری کنند و یا مجبور نیستند یکی از ارزانترین

ماشین‌های دنیا یعنی «پراید» را به قیمت گزاف

پیش‌خرید کرده و چندسالی هم در انتظار دریافت

آن صبر کنند.

وارد کشور کنند.

این واردات به مثابه یک ضربه نهایی است که

شرکت «پارس اتو» متعلق به آقای اخوان‌فر را و

● نباید آن گروه از صنایعی را که فقط با هدف تولید

شرافتمندانه، و بدون

بهره‌گیری از

رانت‌های دولتی

ایجاد شده‌اند به

حال خود وا گذاشت

تا نابود شوند

می‌دارد که به تدریج تولید خود را متوقف کند. از سه بانکی که این شرکت به آنها معرفی می‌شود هیچ یک حاضر نیستند، به آن وام بدهند و «زیربغل» این شرکت را بگیرند. یکی از دلایل بانکها این است که از نظر اقتصادی تولید اتو قابل

**اگر فقط ۶ ماه
دروازه‌های کشور
به روی کالاهای
خارجی گشوده
شود، تقریباً تمامی
صنایع کنونی کشور
مبارکشکست
خواهند شد.**

اگر به شرکت «پارس اتو» کمک می‌شد، وامی در اختیارش می‌گذاشتند و وزارت بازرگانی با «ولع و حرص» یکجا ۱۲/۷ میلیون دلار «اتو» از چین وارد نمی‌کرد و وزارت صنایع در حالی که نیاز کشور به اتو حداکثر یک میلیون دستگاه است برای ساخت ۳/۵ میلیون اتو موافقت اصولی صادر نمی‌کرد، هم‌اکنون کشور ما قادر بود حداقل این کالای صنعتی را که از نظر تکنولوژی تولید آن سهل و ساده است، خود تولید کند و هر ساله مقادیری ارزش صرفه‌جویی شود.

«این‌که حداکثر کاری که دولت باید بکند و ما داریم همین کار را انجام می‌دهیم، این است که به کسی که می‌خواهد اتو تولید کند می‌گوییم وضع بازار اتو و وضع تولیدکنندگان اتو این است...» مطلبی است که یک وزیر صنایع یا وزیر اقتصاد در یک کشور اروپایی (چون در اکثر آنها وزارت صنایع وجود ندارد) می‌تواند به کارفرمایان بگوید، نه وزیر اقتصاد کشور ما، آن هم وزیری که پس از تصدی پست ریاست سازمان صنایع ملی، سالهاست که وزیر صنایع است و باید صنایع کشور را و میزان حمایت دولت را از آنها به خوبی بشناسد!

که تاکنون صنایع مدرن مصرفی بادوام تماماً با امداد بی‌دریغ و گاهی بی‌حد و حساب دولت ایجاد شده‌اند.

فردی برای ایجاد یک واحد تولیدی از منابع طبیعی مجانی زمین گرفته، ارز دولتی و وام بانکی برای خرید این ارز گرفته است و بعد هم تنها قبل از احداث کارخانه از «صدقه سر» اختلاف قیمت ارز دولتی و ارز بازار آزاد «مولتی میلیونر» شده است.

صاحبان چنین واحدهایی کم نیستند و به خصوص مقام محترم وزارت که سالهاست دست‌اندرکار صنعت هستند، این‌گونه افراد را به خوبی می‌شناسند که چگونه صاحب واحدهای تولیدی شده‌اند!!

در مقابل افرادی هم هستند که با هزار زحمت و فروش مایملک خود کارخانه‌ای دایر کرده‌اند و اکنون سخت محتاج حمایتند. اینان را باید به طور منفرد شناخت و نیازهایشان را برآورد. به اینان نمی‌توان گفت: «بازار حاکم است». «بین چگونگی می‌توانی خودت را نجات دهی!» «اگر زمین خوردی دیگری به جای تو بلند می‌شود و جای تو را می‌گیرد!»

همچنین برای حمایت از اینان نمی‌توان و نباید بخشنامه‌های امیدبخش صادر کرد و وعده «سر خرمن» داد.

اگر واقعاً قصد حمایت در میان است، باید «اکیبهای» کارشناسی با اختیارات زیاد تشکیل داد و درد هر صنعت را جداگانه، و بعد هر رشته از این صنعت را به طور انفرادی و سپس هر واحد تولیدی را به طور مستقل بررسی و مطالعه کرد. اعضای این «اکیب‌ها» باید از سازمان‌ها و بانک‌ها و وزارتخانه‌های مختلف با اختیارات تمام باشند، تا بتوانند تصمیم بگیرند و به مرحله اجرا درآورند، والا این‌که مدیر کلی یا کارشناس «اکیبی» نیاز و میزان یک واحد تولیدی را به نقدینگی تعیین کند، ولی بانک مربوطه وامی در اختیار آن نگذارد، دردی را دوا نمی‌کند، و صدمه و زیان به صنایع کشور همچنان ادامه خواهد یافت.

آیا مردم ما مجبور نیستند که همان یخچال و فریزری را که ماشین‌آلات آن قبل از انقلاب در ایران مونتاژ شد و در طول این همه سال‌ها کوچکترین تغییری نکرده، به قیمت بالا خریداری کنند؟

آیا اصلاً، جناب وزیر محترم، شما در ایران صنعتی را سراغ دارید که مورد حمایت بی‌دریغ و انحصاری دولت نباشد؟

اگر ما شش ماه دروازه‌های گمرکی، کشور را باز کنیم و اجازه دهیم، مردم - همان مردمی که شما به آنان اشاره دارید - بتوانند اتومبیل و کالاهای صنعتی وارد کنند، تمام صنایع ما ورشکست و برچیده خواهند شد. دیگر نه بیکانی به فروش خواهد رفت، نه یخچال ارجی و نه تلویزیون پارسی!

البته این تصمیم بیشتر جنبه خودکشی و نابودی صناعی را دارد که با هزاران «خون جگر» در مناطق مختلف کشور از حدود هفتاد سال پیش تاکنون احداث شده است.

آزادی احداث صنایع، آزادی تصمیم‌گیری کارآفرینان، آزادی مصرف‌کنندگان در انتخاب کالاهای مصرفی‌شان، آزادی واردات و صادرات و آزادی انتقال سرمایه در کشورهایی ممکن است که همه چیز آن دولتی نباشد و هر تصمیم اقتصادی آن از چند فیلتر «اقتصادی - سیاسی» عبور نکند!! در این کشورها اصل «عقلانیت اقتصادی» حاکم است و هر دلاری که هر کس می‌خواهد هزینه کند، وابسته به میل و اختیار مسؤولین بانک مرکزی نیست!

جناب آقای وزیر محترم، آیا شما یک کارخانه یا تنها یک واحد تولیدی را در ایران سراغ دارید که بدون حمایت دولت چه از نظر کمک‌های ریالی و ارزی و چه از نظر امدادهای گمرکی در ایران احداث شده باشد.

بحث بر سر این اصل نیست که آیا حمایت‌های دولتی صحیح است یا خیر و یا این‌که اگر دولت حمایت و امداد می‌کند تا چه زمانی و تا چه حدی؟ آنچه در اینجا مطرح است، این است